

به نام خالق گل، خالق خارا!

منزوی؛ سلطان غزل

حسین، زمانی به سرودن آثارش در قالب غزل پرداخت که شعر نیمایی از رونق بیشتری برخوردار بود. در آن زمان که به نظر می‌رسید، عمر قالب‌های کهن شعری پایان یافته، توانست تحوّل شگرف در غزل سرایی ایجاد نماید و به کالبد بی‌جان غزل روحی تازه بدمد.

او با تلفیق هنرمندانه‌ی زبان سنتی و امروزی و به کارگیری مؤثر موسیقی در شعر توانست آثار زیبایی خلق نماید. وی به زیبایی و با استفاده از آرایه‌ی ادبی «تلمیح» باورها و افسانه‌های کهن را در اشعارش باز می‌گوید.

چه سرنوشت غم‌انگیزی که کرم کوچک ابریشم

تمام عمر قفس می‌بافت ولی به فکر پریدن بود.

حسین در اول مهر ۱۳۲۵ در شهر زنجان در خانواده‌ای ادیب و عالم دیده به جهان گشود. تحصیلات عمومی را در زادگاه خود به پایان برد و در سال ۱۳۴۴ وارد دانشگاه تهران شد. امّا قبل از فارغ‌التحصیلی، تحصیلات عالی خود را ناتمام گذاشت. مدّتی مسؤل صفحه‌ی ادبی مجله‌ی رودکی بود. چند سالی نیز در گروه ادبی رادیو و تلویزیون ملّی همکاری کرد.

او اواخر عمر به زادگاه خود بازگشت و سرانجام بر اثر بیماری ریوی و سرطان در روز یکشنبه شانزدهم اردیبهشت هشتاد و سه در کنار آرامگاه پدر شاعر خود، چهره در نقاب خاک کشید.

وی شاعری عاشق و غزل سرایی برجسته بود و زندگی شاعرانه‌ای داشت. در اکثر آثارش ردپایی از عشق را می‌توان یافت به همین خاطر هرکس در خور احساس خود از خواندن شعرهایش لذّت می‌برد.

اولین اثر خود را به نام «حنجره‌ی زخمی غزل» در سال ۱۳۵۰ به چاپ رسانید. پس از آن هر چند سال، اثری بدیع به جامعه‌ی ادب و هنر عرضه می‌داشت. بهترین سروده‌هایش مربوط به دهه‌ی هفتاد و از برترین آثارش می‌توان «شوکران شکر» و «با عشق در حوالی فاجعه» را نام برد. ترجمه‌ی نیمایی «حیدر بابایه سلام» شهریار و منظومه‌ی ترکی «دومان» از دیگر آثار برجسته‌ی اوست.

بی تو به سامان نرسم، ای سر و سامان همه تو
ای به تو زنده همه من، ای به تنم جان همه تو
من همه تو، تو همه تو، او همه تو، ما همه تو
هر که و هر کس همه تو، این همه تو، آن همه تو
من که به دریاش زدم تا چه کنی بادل من
تخته تو و ورطه تو و ساحل تو و توفان همه تو
ای همه دستان ز تو و مستی مستان ز تو هم
رمز نیستان همه تو، راز نیستان همه تو
شور تو، آواز تویی، بلخ تو، شیراز تویی
جاذبه‌ی شعر تو و جوهر عرفان همه تو
همّتی ای دوست! که این دانه ز خود سر بکشد
ای همه خورشید تو و خاک تو، باران همه تو
تا به کجا بری ای جذبه‌ی خون! ذوق جنون!
سلسله بر جان همه من، سلسله جنبان همه تو

حسین منزوی
شوکران شکر

خود ارزیابی

کار گروهی

- ۱- درباره ی کیفیت زندگی حسین منزوی در گروه، گفت و گو کنید.
- ۲- نمونه ی دیگری از آثار حسین منزوی را سر کلاس بخوانید.
- ۳- شرح حالی از یکی از مشاهیر ادبی شهر خود گردآوری کرده و به کلاس بیاورید.

- ۱- یکی از آثار حسین منزوی را نام ببرید؟
- ۲- مراد از « تو » در شعر منزوی کیست و چرا؟
- ۳- چرا حسین منزوی قالب « غزل » را برای سرودن اشعارش برگزید؟
- ۴-

نوشتن

- ۱- با ترکیب های زیر جمله بسازید.
تحصیلات عالی: جاذبه ی شعر: غزلسرایی:
۲- دو تن از مشاهیر ادبی استان خود را نام ببرید.
 - ۳- در بیت شش مراد شاعر از کلمه ی «دوست» کیست و چرا او را دوست خطاب می کند؟
 - ۴- دو بیت آخر شعر را به به نثر روان برگردانید.
- * در متن املا، اعداد همیشه با حروف نوشته می شوند مگر زمانی که معلّم از دانش آموزان بخواهد تا آن ها را با عدد بنویسند.
- * در نوشتن تاریخ روز با حروف به ترتیب روز، ماه و سال نوشته می شود و بین اعداد مرکّب حرف «و» قرار می گیرد.
- ۵- کلمات زیر را با نشانه ی جمع فارسی «ها» جمع ببندید.
- | | | | |
|-----|------|------|-------|
| کوه | صفحه | میوه | پرنده |
|-----|------|------|-------|

دانش های زبانی و ادبی

نکته ی اول

به کلمات زیر توجه کنید.

الف: کوه ها (کوهها)، چاه ها (چاهها)، راه ها (راهها)،
ب: میوه ها، نوشته ها، پرنده ها، صخره ها
گروه اوّل با گروه دوم چه تفاوت هایی دارد؟

علامت جمع فارسی « ها » هیچ گاه به کلمات مختوم به « های بیان حرکت » متصل نوشته نمی شود.

نکته ی دوم

به این جمله توجه کنید.

بهترین سردوه هایش مربوط به دهه ی هفتاد است.

در این جمله منظور از دهه ی هفتاد ده سال بین سال های ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۰ است.

در ادبیات فارسی به هر ده سال « دهه » و به هر صد سال « سده » می گویند.